

موضوع، نامهٔ ۳۹ عضو پارلمان ایران به شورای امنیت ملی کشور آمد که خواستار بازبینی در دکترین هسته‌ای جمهوری اسلامی بود. مقامات ایرانی با نظراتی بیشتر درباره تغییر دکترین هسته‌ای ایران، این موضع را تکرار کردند. کمال خرازی، وزیر خارجه اسبق ایران و رئیس شورای راهبردی روابط خارجی به صراحت بیان کرد: «گزینه تغییر دکترین هسته‌ای هنوز روی میز است.» اگر چنین حرکتی رسماً از سوی ستون‌های نظام سیاسی ایران، یعنی ساختار امنیتی، سیاسی و مذهبی، اتخاذ شود، بعید است رئیس‌جمهور پزشکیان در مقابلش بایستد. سقوط رژیم اسد در سوریه، یک تحول تاریخی دیگر برای نفوذ ایران در منطقه بود. تصرف دمشق از سوی مخالفان سوری، به پیشگامی هیئت تحریرالشام و به رهبری احمدالشرع که پیشتر به‌نام الجولانی شناخته‌می‌شد، عملاً به‌نفوذ ایران در دو محور راهبردی حیاتی، دمشق و بیروت، پایان داد؛ یعنی به ترکیبی که نمایانگر مرکز ثقل نفوذ ایران از اوایل دهه ۱۹۸۰ بود. تردیدی نیست که برپایی یک نظام سیاسی جدید پس از فروپاشی رژیم اسد، نمایانگر پسرقتی بنیادین برای نفوذ ایران است؛ هم در سوریه و هم در لبنان. همین‌طور تحولی تاریخی و کلیدی است در دوران ریاست‌جمهوری مسعود پزشکیان؛ اما در این بستر، مهم است که توجه کنیم، نفوذ ایران از سال ۲۰۱۲ با شتاب در حال نزول بوده است؛ از زمانی که سوریه به باری امنیتی، سیاسی و اقتصادی روی دوش نظام سیاسی ایران تبدیل شد.

نزول نفوذ ایران، هم در سوریه و هم در لبنان، ممکن است آغازگر بازگشت عربستان سعودی به عنوان بازیگر ذی‌نفوذ در هر دو کشور باشد؛ بعد از سالیان سال غیبت. این ممکن است پویه‌شناسی تازه‌ای بسازد که در آن عربستان سعودی از نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش استفاده کند تا حمایتی فرآینده برای دولت جدید در سوریه بسازد و برای لغو تحریم‌های اقتصادی که بر رژیم اسد تحمیل شده بود، فشار بیاورد.

ایالات متحده: حاضر و غایب

مشغولیت نظامی مستقیم و متقابل با اسرائیل که در بالا ذکر شد، اولین یاتنها چالشی نبود که در مقابل پزشکیان به‌عنوان رئیس‌جمهور قرار گرفت؛ آخرینش هم بعید است باشد. او باید با چند تحول فوری که ارتباط مستقیمی با این تقابل دارند هم دست‌وپنجه نرم کند. اولین و مهم‌ترینش، سقوط رژیم اسد که نزول سریع نفوذ ایران را هم در سوریه و هم در لبنان، شتاب بخشیده است و دوم، بازگشت دونالد ترامپ به عنوان چهل‌وهفتمین رئیس‌جمهور ایالات متحده. بازگشت ترامپ به قدرت، خاطراتی به ذهن می‌آورد؛ از سیاست‌فشار حداکثری او علیه ایران در دور اول صدارتش؛ سیاستی که هدفش فشار بر منابع مالی ایران بود، با تحمیل تحریم‌هایی فلج‌کننده به صادرات نفتش، برای تضعیف اقتصادی و مالی این کشور و در نتیجه ممانعت از کمک‌رسانی مالی‌اش به متحدان در سراسر خاورمیانه. دولت ترامپ با این هدف، در همه زمینه‌ها اعمال فشار کرد؛ همه ابزارهای در دسترس را، شامل نفوذ دیپلماتیک، به کار گرفت تا مانع از این شود که کشورهایی مثل ژاپن، کره جنوبی و مالزی، نفت ایران را بخرند. طی اولین دوره ترامپ، فشار ایالات متحده در کاهش شدید صادرات نفت ایران موفق بود و آن را از ۲/۵ میلیون بشکه در روز به فقط ۳۵۰ هزار بشکه در روز رساند. در آن دوران، فرآیند فروش نفت ایران از جهات بسیاری پیچیده شد؛ شامل مسئله واحد پول به کاررفته (که دلار باشد یا واحد پول محلی خریدار)، نقش میانجیان در فرایند فروش و نیز سازوکارهای فروش که شامل طرف‌های سوم می‌شد. همه این‌ها منجر به کاهش جدی در درآمد نفتی ایران شد؛ اما ترامپ به این هم اکتفا نکرد. او خروج یک‌جانبه واشنگتن از برجام را هم اعلام کرد.

نزول نفوذ ایران در سوریه و لبنان و بازگشت ترامپ به کاخ سفید ایران را در وضعیت هراس قرار داده است. ساختار سیاسی و امنیتی ایران انتظار ندارد که دولت جدید ترامپ، از دور اول کمتر تندرو باشد؛ به‌خصوص با توجه به اینکه از نگاه واشنگتن، پسرقت‌های اخیر ایران، شکستی راهبردی هستند که تشدید دوباره فشار سیاسی و اقتصادی بر جمهوری اسلامی را می‌طلبد. این ناآرامی را ترکیب تیم سیاست خارجی و امنیت‌ملی ترامپ، تشدید هم می‌کند؛ مارکو روبریو به‌عنوان وزیر خارجه، پیث هگست به عنوان وزیر دفاع، مایک والتز به عنوان مشاور امنیت‌ملی، استیو توپکاف به‌عنوان فرستاده ویژه در خاورمیانه و الیس استفانیک به عنوان نماینده ایالات متحده در سازمان ملل (به دلیل محاسبات مربوط به کرسی‌های مجلس نمایندگان، دولت ترامپ در آخرین لحظه نامزدی استفانیک نماینده ابرای این سمت پس گرفت). وجه اشتراک این افراد، فراتر از جمهوری خواهی و وفاداریشان به رئیس‌جمهور ترامپ، موضع تندروانه‌شان نسبت به جمهوری اسلامی و سیاست‌هایش در خاورمیانه است که آن‌ها را تهدیدی مستقیم علیه اسرائیل می‌بینند، یعنی علیه‌مهم‌ترین متحد راهبردی واشنگتن در منطقه.

در مقاله مذکور پزشکیان در تهران تایمز، پزشکیان از سیاست‌های دولت اول ترامپ انتقاد کرد؛ یعنی دولتی که در ماه مه ۲۰۱۸ از برجام خارج شد و نیز از دولت جو بایدن انتقاد کرد که با بازگشت به توافق خودداری کرد و حمایتی قاطع از اسرائیل در جنگش در غزه کرد. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران نیز بعدتر تأیید کرد که وقایع پیش‌آمده بر برجام غالب شده‌اند و در نتیجه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، این توافق دیگر ماندنی نیست، یعنی در بهترین حالت می‌تواند به عنوان سند مرع برای هر گونه مذاکرات در آینده به کار بیاید. این مواضع، پیش از سقوط رژیم سوریه، متحد اصلی ایران، بیان شدند؛ یعنی قبل از تحولی که سایه‌اش را روی هر گونه مذاکره در آینده بین ایران و غرب بر سر برنامه هسته‌ای ایران خواهد انداخت. با بازگشت دونالد ترامپ، به نظر می‌رسد ایران به راهبرد پیشینش برگردد. تمام با اتحادیه اروپا و بهره‌برداری از تفاوت‌ها در حال ظهور بین ملت‌های اروپایی و دولت جدید ایالات متحده. تهران در حال حرکت به سمت بازگشایی مسیریی برای مذاکره با برخی

دولت‌ها در اروپا (آلمان، فرانسه و بریتانیا) بر سر برنامه هسته‌ای‌اش است و در نتیجه ادامه رویکرد مذاکراتی که در سال ۲۰۰۳ شروع کرده بود. هدف این راهبرد، پیشگیری از شکل‌گیری جبهه متحدی در غرب علیه ایران است. بعلاوه، دولت پزشکیان به دنبال این است که بیشترین استفاده را از عضویتش در بلوک بریکس ببرد؛ با پیشبرد دستورکاری برای همکاری سیاسی و اقتصادی بین اعضایش. این مسئله در حضور رئیس‌جمهور پزشکیان در شانزدهمین نشست این گروه در شهر کازان روسیه مشهود بود.

ایران همچنین در بستری مربوط و در میان تلاش‌های روبه‌تشدید برای شروع مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای‌اش، به دنبال ممانعت از تلاش‌های بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، برای تشدید تنش است و این را با رفتن به سراغ دولت ترامپ و بهره‌برداری از ترجیح سیاسی رئیس‌جمهور آمریکا نسبت به پایان‌دادن به جنگ‌ها و استفاده از قدرت آمریکا برای برقراری صلح انجام می‌دهد. این رویه ممکن است به تهران اجازه دهد هر گونه تلاش اسرائیل برای حمله به تأسیسات هسته‌ای‌اش را متوقف کند. این موضوع، حرف‌های پزشکیان را هم توضیح می‌دهد، وقتی می‌گفت ایران باید «با دشمنانش با صبر» مواجه شود و در برای مذاکره با واشنگتن باز است، اگر «به تهدداتش عمل کند». در این زمینه شایان توجه است که روابط با ایالات متحده همچنان موضوع بحث و جدلی جدی درون نظام سیاسی ایران است؛ در فضایی که جنبش سنتی و محافظه‌کار ایالات متحده را «شیطان بزرگ» می‌بیند. این تفاوت روی تمام تلاش‌ها برای ازسرگیری روابط بین دو کشور، تأثیری منفی داشته است؛ اما تأثیر این شکاف ممکن است در مواجهه با شکست‌های راهبردی عمده اخیر ایران فروکش کند و این مسئله ممکن است فضا را به سمت اعتداف‌پذیری بیشتر در روابط با ایالات متحده ببرد.

جمع‌بندی

طرح کلی سیاست خارجی پزشکیان پیش از آنکه او پشت میز بنشیند، مشخص شد. این طرح از آن زمان تحت تأثیر فروپاشی رژیم اسد در سوریه و پیامدهای منطقه‌ای‌اش، عواقب جنگ غزه و سرریز آن در لبنان، ترور رهبران جنبش‌های متحد ایران و حمله مستقیم به قلمرو ایران قرار گرفته است. همه این تحولات خودشان را بر مسیر سیاست خارجی ایران در اولین سال ریاست‌جمهوری پزشکیان تحمیل کردند و احتمالاً آثارشان فراتر از این هم خواهد رفت.

ریاست‌جمهوری پزشکیان در لحظه‌ای مهم در تاریخ جمهوری اسلامی از راه می‌رسد که تنها با جنگ ایران و عراق در فواصل سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ قابل مقایسه است. مشخص هم هست که تهران با چالش‌های بی‌سابقه سیاست خارجی مواجه است. سقوط رژیم اسد و تقلیل دنباله‌دار با اسرائیل، نفوذ ایران را عقب رانده و آن را مجبور کرده در موضعی واکنشی قرار گیرد.

یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۴
سال چهارم • شماره ۷۵۳
www.hammihanonline.ir

وقتی پای تحولات مربوط به برنامه هسته‌ای‌اش در میان باشد، دولت پزشکیان ابتکاری با دو مسیر را پیشنهاد داده است. اولی در را برای مذاکره با کشورهای اروپایی از قبیل فرانسه، بریتانیا و آلمان باز می‌کند، در تلاشی برای تسکین فشارهای احتمالی همراه با بازگشت سیاست فشار حداکثری ترامپ. ستون دوم این ابتکار شامل فعال کردن نسلی پیشرفته‌از سانترنیفیووهاست. این قدم‌بعدا از نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نوامبر ۲۰۲۴ پیش آمد؛ نشستی که خواستار همکاری نزدیک‌تر ایران با آژانس شده بود؛ به‌خصوص بعد از گام‌هایی که ایران در واکنش به خروج یک‌جانبه‌واشنگتن از برجام برداشت.

هم‌زمان که اسرائیل پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در منطقه تنش را گسترش می‌داد و ساختار سیاسی و امنیتی ایران نتیجه می‌گرفت که این جنگ تهدیدی وجودی برای خودش و متحدانش است، سناریویی بعید سربرآورد که در آن ممکن است تهران به سمت سیاست عقب‌نشینی کامل از نقش منطقه‌ای‌اش برود، حتی با وجود نزول نفوذش در سوریه و لبنان. در همین راستا، امکان درگیری نظامی بیشتر با اسرائیل همچنان بالاست، البته در شرایطی که ایران سطح بالاتری از احتیاط راهبردی را اتخاذ خواهد کرد تا بتواند با سبک‌ترین آسیب‌های ممکن، دوره دوم دونالد ترامپ را از سر بگذراند. اما ایران چندین دهه این راهبرد را داشته که زمان بخرد و حدی از اعتداف‌پذیری موقت نشان دهد تا بتواند مراحل با وضعیت‌های سختی را که چالشی برای وجود رژیم هستند، تحمل کند و با توجه به این راهبرد، نمی‌توان گزینه مذاکره با ایالات متحده را کناررفته‌انست. با توجه به عدم قطعیت سیاسی و امنیتی که تحولات سریع در سراسر منطقه ایجاد کرده‌اند، ممکن است دولت پزشکیان رویکردی آرام‌تر با همسایگانش در پیش گیرد؛ نشانه‌ای از تلاش برای انطباق با تحولات سریع منطقه‌ای؛ به‌خصوص آن‌هایی که بر نقش ایران در خاورمیانه اثر گذاشته‌اند. ایران به دنبال این نیز خواهد بود که روابطش را با چین و روسیه تقویت کند و این تبعاتی روی سطح تنش‌ها با غرب و به‌خصوص با ایالات متحده خواهد داشت؛ به‌ویژه در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران. این روند در اعضای آنچه در ژانویه ۲۰۲۵ و بعد از تأخیری سه‌ساله، توافق جامع همکاری راهبردی بین ایران و روسیه خوانده شد، مشهود بود. این توافق دومین توافق از این نوع است؛ بعد از توافق راهبردی که ایران در مارس ۲۰۲۱ با چین امضا کرد. در مجموع، در اولین سال ریاست‌جمهوری پزشکیان، ایران فصلی تازه را در سیاست خارجی‌اش شروع کرده است؛ فصلی که می‌شود نامش را «روز بعد» گذاشت. این به دنبال روند نزولی‌ای است که هم توافق هسته‌ای و هم نفوذ ایران در سوریه و لبنان طی کردند. تهران، با توجه به نقش روبه‌افولش در خاورمیانه، گزینه توسعه ظرفیت‌های هسته‌ای‌اش و بالارادن سطح غنی‌سازی اورانیوم را روی میز نگه می‌دارد؛ به عنوان راهی برای اعمال فشار راهبردی.

دیپلمات‌ها



تنها راه دیپلماسی است

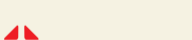
میخائیل اولیانوف، سفیر و نماینده دائم روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین، در گفت‌وگو با ایرنا اظهار داشت: «قاطعانه با هر گونه تهدید به استفاده از زور از سوی ایالات متحده علیه ایران مخالفیم؛ چه برسد به تهدید حمله نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای.

ما این‌گونه سیاست‌ها را محکوم می‌کنیم. روس‌یه همواره بر این باور بوده است که تنها راه‌حل مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای ایران، مسیر دیپلماتیک است.» اولیانوف افزود: «آنچه اکنون شاهد هستیم، آن است که دولت آمریکا سطح تنش را بیش از پیش بالا برده و به تهدیدهای نظامی و اعمال فشار متوسل شده است. با این حال، ترامپ همچنان مدعی است که خواهان رسیدن به یک توافق است. اگر چنین است، تنها راه واقعی برای دستیابی به توافق، دیپلماسی است، نه تهدید یا استفاده از زور.» اولیانوف بازگشت فوری به مسیر گفت‌وگو و مذاکرات «حرفه‌ای، بدون تهدید و باج‌گیری تحریک‌آمیز» درباره مسائل مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را امری ضروری دانست و تصریح کرد: «این تنها راه واقع‌گرایانه و بالقوه نمریبخش در مسیر پیش‌رو است.»



توافقی مثل لیبی

تام کاتن، سناتور ایالت آرکانزاس آمریکا از سیاست‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور کشورش برای اعمال فشار حداکثری بر ایران از طریق اجرای تحریم‌های اقتصادی سخت‌گیرانه حمایت کرد و مدعی شد که این اقدامات تمام صادرات ایران را نابود خواهد کرد. او تأکید کرد که فشار حداکثری در برابر ایران باززدندگی ایجاد می‌کند و به تمام مسیرهای دستیابی این کشور به سلاح هسته‌ای پایان می‌دهد. تام کاتن در ادامه گفت: رئیس‌جمهور ترامپ همچون لیبی که در سال ۲۰۰۳ با آمریکا توافق کرد، سازش با ایران را ترجیح می‌دهد اما او گفته است که اگر توافقی نباشد، بمباران گزینه دیگر خواهد بود. سناتور جمهوری خواه بسا ادعای اینکه رئیس‌جمهور ترامپ کسی است که به دنبال صلح و ثبات در جهان است، گفت که بنابراین، او نمی‌تواند به مقامات ایران اجازه دهد که سلاح هسته‌ای داشته باشند.



در خواست نشست مشترک درباره مهاجران

طالبان در دیدار سرپرست وزارت امور مهاجرین افغانستان با مدیرکل آسیای جنوبی وزارت امور خارجه ایران و تیم همراه، برگزاری نشست‌های مشترک با تهران را خواستار شد. عبدالکبیر در دیدار با محمدرضا بهرامی به روابط تاریخی دو کشور اشاره و از میزبانی چنددهه‌ای ایران ل‌از مهاجران افغان ا تقدیر کرد و برخورد اسلامی با مهاجران را خواستار شد. وی از برنامه‌های کابل برای بازگشت داوطلبانه مهاجران افغان به کشورشان خبر داد و اعلام کرد: طرح ساخت ۴۶ شهرک مسکونی برای اسکان بازگشت‌کنندگان در دست اجراست. بهرامی نیز در این دیدار با اشاره به حضور چند میلیونی اتباع افغانستان در ایران که بخشی از آنان فاقد مدارک قانونی هستند، بر لزوم همکاری بیشتر دو کشور برای حل چالش‌های موجود تأکید کرد.وی از وزیر مهاجرین افغانستان برای سفر به تهران دعوت به عمل آورد. همچنین این دیپلمات ایرانی از طرح افغانستان برای ساخت شهرک‌های مسکونی استقبال کرد و آن را گامی مثبت در جهت آسان‌سازی روند بازگشت مهاجران به کشورشان دانست.

۷

مهرمن

یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۴

سال چهارم • شماره ۷۵۳

www.hammihanonline.ir